عنوان:

دیدگاه اصولیون نسبت به اقسام دلالت چیست؟

استاد راهنما:

**حجت الاسلام و المسلمین محمد امین سجادی زید عزّه**

پژوهشگر:

**سیدمحمدصادق امین یزدی**

مقطع تحصیلی:

**پایه پنجم**

درس پژوهشی:

**اصول فقه**

مرکز آموزشی:

**مدرسه علمیّه علوی قم**

سال تحصیلی:

**۱۳۹8-۹9**

**بسم اللّه الرحمن الرحیم**

تقدیم؛

تقدیم به **اندیشـه­ای** که جان ها را به عطر بندگی آراست.

تشکّر؛
حمد و سپاس **خداوند حکیم**؛ که اولیاءالله خود را در مسیر تعقّـل ما قرار داد.

**چکیده؛**

تردیدی نیست از عناوینی که مورد بحث و دقت عالمان هر علمی قرار گرفته، تعریف علم است چراکه تعریف از اهم مسائل شناختی علم و فلسفه آن و به بیان دیگر بیان کننده چیستی و حقیقت علم، ماهیت گزاره ها، غرض و غایت علم، معیار و ملاک مسائل علم است. باز شناسی مسائل علم اصول از مبادی و مسائل علوم دیگر در گرو تعریف صحیح از علم اصول است. تبیین ملاک و معیار مسئله اصولی همواره از دغدغه های فقیهان و دانشیان اصولی بوده چرا که در تدوین و تاسیس قواعد جدید و توسعه علم مهم است. تعریف مشهور علم اصول به دلیل وجود اشکالاتی این مهم را محقق نکرده است. علامه مظفر -اصولی متاخر- با تعریفی جدید از علم اصول، حدود و ثغور صحیح این علم را تبیین کرده است و همچنین با ارائه تبیینی جدید از ملاکِ مسئله اصولی -که در فصل سوم پرداخته ایم - سبب بازخوانی جدیدی از تدوین و توسعه مسائل این علم شد.

کلید واژه؛ اصول الفقه، دلالت، علم اصول، محمدرضا مظفر

**فهرست**

[مقدّمه: 1](#_Toc36939262)

[علم اصول فقه و تعریف دلالت 2](#_Toc36939263)

[تعریف لغوی دلالت 2](#_Toc36939264)

[تعریف اصطلاحی دلالت 2](#_Toc36939265)

[ضرورت 3](#_Toc36939266)

[اقسام دلالت 4](#_Toc36939267)

[بررسی انواع دلالت درعلم منطق از حیثیت های مختلف 4](#_Toc36939268)

[تقسیم دلالت به وضعی و عقلی و طبعی 4](#_Toc36939269)

[تقسیم دلالت به مطابقی و تضمنی و التزامی 4](#_Toc36939270)

[بررسی انواع دلالت درعلم اصول از حیثیت های مختلف 6](#_Toc36939271)

[تقسیم دلالت به تصوری و تصدیقی 6](#_Toc36939272)

[تقسیم دلالت به بیِّن و غیر بیِّن 6](#_Toc36939273)

[منابع 10](#_Toc36939274)

مقدّمه:

می دانیم تنها در پرتو فقه و فقاهت می توان به برنامه همه جانبه و فراگیر دین، جامه عمل پوشاند. چرا که فقه متکفّل بیان احکام و قوانینی است که از طرف شارع حکیم برای مکلفین بر مبنای مصالح فردی و اجتماعی جعل گردیده است. فهم و کشف این احکام منوط بر یک منطق استنباطی است که علم اصول فقه متکفل بیان قسمت اعظمی از آن شده است.
از جمله سنت های کهن دانش پژوهی، ارائه دقیق مباحث آن دانش می باشد. دانشیان هر علمی، برای تبیین مباحث آن علم، معین ساختن حدود و ثغور مسائل و ترسیم غایت علم، با بحث های علمی و ارائه نظریات مختلف به دقت به بررسی آن می پردازند.
عالمان اصولی نیز از این مهم، مستثنی نیستند و در ارائه نظریات مختلف اصولی بحث دلالت را در علم اصول فقه بررسی میکنند و جایگاه آن را در فقه تعیین و مشخص میکنند.
با بررسی منابع علم اصول بدست می آید که دیدگاه های مختلفی در تعریف و اقسام دلالت مطرح می­شود. اما با توسعه و تطور علم اصول و مسائل آن، معنای دلالت و اقسام آن با ابرام های فروانی از سوی عالمان اصولی شده است. علامه مظفر ره به عنوان یک اصولی متاخر و متاثر از عالمان اصولی گذشته خود از مشهور عدول می کند و قائل به نظریه جدیدی میشوند که دلیل این عدول بسیار حائز اهمیت است.
با بررسی نظریه های مختلف و مشهور و همچنین با تبیین تعریف علامه مظفر، به جمع بندی نسبت به اقسام دلالت در علم اصول خواهیم یافت.

علم اصول فقه و تعریف دلالت

اصول فقه، دانشی است که قواعد آن برای استنباط احکام شرعی به کار گرفته می شود.(فرهنگنامه اصول فقه،1392؛216)

تعریف لغوی دلالت

دلالت به فتح دال مصدر دلّ یدل دلاله معنای میشود آنچه که لازم است از فهم شی ای به شی دیگر یعنی می باشد شی لازمه ی شی ای دیگر که به اولی می­گویند دال و به دومی می­گویند مدلول

تعریف اصطلاحی دلالت

حالتی است که در آن علم به یک چیز، علم به چیز دیگری را در پی داشته باشدو در اصطلاح به شئ اول که منجر به دلالت شده "دال" و به شئ دوم نیز که ذهن انسان به سمت آن متوجه می‌شود، "مدلول" گفته می‌شود. در منطق، بحث دلالت، زیر شاخه‌ای از بحث الفاظ است.

ضرورت

بحث از انواع دلالت از مسائل علم اصول و منطق می باشد زیرا به صورت مستقیم مارا به استنباط حکم شرعی نمی رساند امّا همه­ی اصولیین قبل از ورود به مسائل علم اصول از این مهم بحث می کنند که این خود نشان دهنده اهمیت این مطلب است؛ خیلی از مباحث الفاظ ، استاندارد های زبان شناسی را ندارند که یکی از مهم ترین محورهای زبان شناسی بحث دلالت است که اگر به درستی در مباحث الفاظ فهمیده نشود نسبت به دلالت الفاظ در بیان های مختلف اشکال ایجاد میکند که نتیجه آن بدست نیامدن قاعده و در آخر عدم رسیدن استدلال صحیح فقهی است؛ حال برای فهم بهتر این موضوع لازم است که اقسام آن را در علم منطق و اصول بررسی کنیم تا تاثیرات آن را در روایات اهل بیت (علیه السلام) به وضوح مشاهد کنیم.

اقسام دلالت

در بررسی اقسام دلالت به تقسیم های مختلفی در علم منطق و اصول پی میبریم که از حیثیت های مختلفی بحث شده اند که آن را ذکر میکنیم:

بررسی انواع دلالت درعلم منطق از حیثیت های مختلف

تقسیم دلالت به وضعی و عقلی و طبعی

در بررسی معنای دلالت وضعی بیان میکنند دلالتی است که به سبب وضع یا قرار داد ایجاد شده باشد؛ و همچنین در تعریف دلالت عقلی بیان میکنند که در آن رابطه میان دال و مدلول یک رابطه ذاتی یا علی باشد که این قسم بیشتر در دانش هایی مانند فلسفه و کلام مورد توجه است؛ و دلالت طبعی را دلالتی بیان میکنند که میان دال و مدلول رابطه طبیعی بوده و این رابطه در طبع همه انسان ها وجود داشته باشد.

تقسیم دلالت به مطابقی و تضمنی و التزامی

در بررسی معنای دلالت مطابقی بیان میکنند که در دلالت‌های "وضعی لفظی"، الفاظ برای مفاهیمی مشخص و متمایز "وضع" می‌شوند؛ یعنی در این نوع دلالت، الفاظ پس از طی فرایند "وضع" به عنوان نشان دهنده‌ای برای یک مفهوم خاص قرار داده می‌شوند؛ حال با توجه به این موضوع، اگر در جمله‌ای یک لفظ برای نشان دادن تمام مدلول خود به کار گرفته شود، در اصطلاح منطقی به این نوع دلالت «دلالت مطابقی» می‌گویند؛ و همچنین دلالت تضمنی را بیان میکنند که بر خلاف دلالت مطابقی- لفظی که به عنوان دال استفاده می‌شود، تمام مدلول خود را نشان نمی‌دهد، بلکه نشان دهنده جزئی از مدلول خود است؛ و تعریف میکنند دلالت التزامی را که گاهی اوقات میان یک مفهوم و مفهوم دیگر تلازم و همراهی شدیدی وجود دارد؛ در چنین حالتی می‌توانیم لفظی را که دلالت بر مفهوم اول دارد به کار ببریم، اما منظور ما مفهوم دوم یا همان مفهوم ملازم باشد.

نکته: در منطق اقسام دیگری هم از جمله تعیینی و تعیّنی و یا لفظی و غیر لفظی هم مطرح می­شود که از حیثیت های دیگری دلالت را تقسیم میکند.

بررسی انواع دلالت درعلم اصول از حیثیت های مختلف

تقسیم دلالت به تصوری و تصدیقی

 دلالت تصوریه: دلالت تصوریه یعنی همان دلالت تصوری منطق به معنای صورت شی عند ذهن است که به محض اینکه علم به وضع داشته باشیم آن دلالت رخ میدهد ولو اینکه از لافظ ذی شعور باشد

دلالت تصدیقیه: هي دلالة اللفظ على أن المعنى مراد للمتكلم في اللفظ و قاصد لاستعماله فيه.

اقسام دلالت تصدیقیه:

تصدیقیه اولی: یعنی فرد عن شعورٍ و عن ارادةٍ چیزی را میگوید ولی معنای استعمالیه کرده نه معنای حقیقیه

تصدیقیه ثانی: اما در تصدیقیه ثانی فرد عن شعورٍ و ارادةِ چیزی را گفته که معنای جدی را قصد کرده که محل بحث ما از دلالت اصولی این قسم است.

تقسیم دلالت به بیِّن و غیر بیِّن

در دلالت بیِّن: لازمی است که از تصور ملزومش تصور، آن لازم آید و آن یا بَیِّن به معنای اعم است و یا بَیِّن به معنای اخص

* + - * اقسام دلالت بیِّن:
				+ بیِّن به معنی الاعم

دلالت به معنای الاعم اقتضاء

دلالت به معنای الاعم اشاره

دلالت به معنای الاعم تنبیه(ایماء)

* + - * + بیِّن به معنی الاخص: دلالت لفظ بر معنای لازم عقلی مثل اینکه اینجا آتش است به معنای اخص دودش هم هست که مجازٍ این امر را برداشت میکنیم؛ که در این نوع تقسیم بندی اصولی محل بحث با توجه به نظریه اکثر علمای اصولی همین بحث است که کاربرد دارد؛ البته نسبت به این امر که فقط محل بحث ما بین به معنی الاخص است اقوال متفاوتی مطرح است که در کتاب شهید مظفر به این اختلاف که " مراد از دلالت در علم اصول در اصل در معناالاخص هاست و یا اینکه در معنای الاعم ها هم هست یا نه" در بخش مفاهیم بحث میشود که مرحوم مظفر فقط قائل به معنا الاخص میشوند و اقوال دیگر را در دخیل کردن معنا الاعم رد کرده و باطل میدانند.

دلالت های التزامی که گفته شد در اصول فقه بحث میشود از صنف بیِّن اند لذا در محاورات نداریم زیرا دلالت لفظی بر معنای غیر بیِّنش در متون دینی دلالت های الزامی محاوره ای است که به معنی الاعم و اخص است

* + - دلالت غیر بیِّن: غیر بَیِّن، مقابل لازم بیّن است؛ چه به معنای اخص و چه اعم، که عقل برای قطع به ملازمه، افزون بر تصور لازم وملزوم ونسبت میان آنها به استدلال برای اثبات ملازمه نیز نیاز دارد (مایقابل البَیّن مطلقا بان یکون التصدیق و الجزم بالملازمة لا یکفی فیه تصور الطرفین و النسبة بینهما بل یحتاج اثبات الملازمة الی اقامة الدلیل علیه)

در دلالت غیر بیِّن، التزامی به معنای الفاظ نیست درحالی که ما در مورد متکلمی در اصول بحث میکنیم که دارای اراده باشد نه متکلمی که اراده نکرده و در انتقال ذهن از لفظ به معنا نیازمند به کنکاش ذهنی در محاورات است.

نتیجه:

مرحوم مظفر در مبحث دلالت در علم اصول قائل میشوند به قسم بیِّن به معنی الاخص و تمام اقوال مختلف را رد کرده و در تقسیم بندی تصور و تصدیقی قائل به تصدیقی ثانی میشوند و بیان میکنند در این قسم مباحث اصولی بحث میشود و در نگاه کلی ادله خود را بر التزامی بودن امر مطرح میکنند

منابع

1. اصفهانی نجفی، محمد تقی، (1429ق)، **هدایة المسترشدین**، چاپ دوم، قم: موسسه نشر الاسلامی
2. امام خیمنی، روح الله، (1423ق) **تهذیب الاصول**، چاپ اول، تهران: موسسه تنطیم نشر و آثار امام خمینی
3. آخوند خراسانی، محمدکاظم. 1431)ق)، **کفایه الاصول**، قم: آل البیت(ع)
4. بهائی، محمد به حسین، (1423ق)، **زبدة الاصول**، چاپ اول، قم: مرصاد
5. خمینی، مصطفی، (1418ق) ، **تحریرات فی الاصول،** چاپ اول، تهران: موسسه تنطیم نشر و آثار امام خمینی
6. الخواجة محمد على التهانوى‏، (بی تا)، **كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**‏، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون
7. سجادی، سید جعفر،( 1382)، **فرهنگ معارف اسلامی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
8. صدر، سید محمد باقر،( 1417ق )، **بحوث فی علم الاصول**، چاپ سوم، قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی
9. صدر، سید محمدباقر. ، 1430)ق) **دروس فی علم الاصول**. چاپ ،5قم: دارالعلم
10. طباطبایی، محمد حسین، (بی تا) ، **حاشیة الکفایة**، چاپ اول، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی
11. عراقی، ضیاء الدین،( 1370ق) ، **بدائع الافکار**، چاپ اول، نجف: المطبعه العلمیه
12. عراقی، ضیاء الدین،(1417)، **نهایة الافکار،** چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی
13. علامه حلی، حسن بن یوسف،( 1425ق) ، **نهایة الوصول الی علم الاصول،** چاپ اول، قم: موسسه الامام الصادق ع
14. علم الهدی، علی بن حسین،(1376)، **الذریعة الی اصول الشریعة،** چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران
15. قزوینی، سیدعلی(1427)، **تعلیقه علی معالم الاصول**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی،
16. لاریجانی، صادق(1394)، **فلسفه علم اصول**، چاپ اول، قم: مدرسه علمیه ولی عصر
17. محقق حلی، جعفر بن حسن،( 1403 ق) ، **معارج الاصول،** قم:موسسه آل البیت
18. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی،1395، **فرهنگنامه اصول فقه**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
19. مظفر، محمدرضا،(1380 )، **اصول الفقه**. چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب
20. مکارم شیرازی، ناصر، (1428ق) ، **انوار الاصول**، چاپ دوم، قم: مدرسه الامام علی
21. موسوی خویی، سید ابوالقاسم،(1422ق)، **محاضرات فی اصول الفقه**،چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء تراث امام خویی
22. میرزای قمی، ابوالقاسم،(1378)، **قوانین الاصول**، چاپ دوم، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه
23. نائینی، محمد حسین، (1352)، **اجود التقریرات**، چاپ اول، قم: مطبعه العرفان
24. نائینی، محمد حسین، (1376)، **فوائد الاصول**، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علیمه قم
25. نراقی، محمد مهدی، (1388)، **انیس المجتهدین**، چاپ اول، قم: موسسه بوستان کتاب